

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۱)

کلیه رشته های شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش

پایه دهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۰۱۱۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمداکرم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمدمهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری، طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - رعنا فرج‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فریبا سیر و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ سوم ۱۴۰۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



قال الإمام الخميني (قدس سره) :

«اللغة العربية لغة الإسلام و الإسلام للجميع»

أَلْفِهْرُسُ

- الف | بيشگفتار 
- ۱ | أَلَدْرُسُ الْأَوَّلُ 
- ۲ | أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ
- ۳ | مُرَاجَعَةُ الْقَوَاعِدِ
- ۴ | حِوَارُ (الْتَّعَارُفِ)
- ۵ | الْتَّمَارِينِ

- ۷ | أَلَدْرُسُ الثَّانِي 
- ۸ | يَدُ الْفَلَّاحِ
- ۱۰ | الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ
- ۱۱ | حِوَارُ (بَيْنَ سَائِحِينَ)
- ۱۲ | الْتَّمَارِينِ

- ۱۷ | أَلَدْرُسُ الثَّالِثُ 
- ۱۸ | قِيَمَةُ الْعَمَلِ
- ۲۱ | الْأَمْوَاضِي وَ الْمُضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۱)
- ۲۵ | حِوَارُ (فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ)
- ۲۶ | الْتَّمَارِينِ

- ۲۹ | أَلَدْرُسُ الرَّابِعِ 
- ۳۰ | هَذَا خَلَقَ اللَّهُ
- ۳۳ | الْأَمْوَاضِي وَ الْمُضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۲)
- ۳۷ | حِوَارُ (فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ بِالْجَمَارِكِ)
- ۳۸ | الْتَّمَارِينِ

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی» ویژه پایه دهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. شایسته است دبیر عربی برای تدریس این کتاب، کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

تدریس بدون اطلاع از آموخته‌های پیشینِ هنرجو، تدریسی موفق نخواهد بود.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی».

هدف اصلی آموزش زبان عربی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

شیوه تألیف کتاب‌های عربی، متن‌محوری است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجّه به مصوّبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است، به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ این کتاب در چهار درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در پنج ساعت آموزشی تدریس کرد.

زمان تدریس، یک ساعت در هفته است. برخی مدرسه‌ها، درس عربی را دو هفته یک بار در دو ساعت آموزشی، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲ آزمون نوبت اول در دی ماه از درس اول و دوم است.

۳ هنجروی پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ». هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در کتاب عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی. (در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است).

۴ درس اول مرورِ آموخته‌های پیشین است.

۵ در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه، عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۶ هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که فراگیر با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرّد از ثلاثی مزید و ذکر نوع باب و صیغه فعل از اهداف آموزشی نیست. هر فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ برای نمونه هرچند در کتاب، فعل «أَرَادَ» به کار رفته و فعل «أَفْعَلَ» نیز آموزش داده شده است؛ اما از فعل «لَا تُرَدُّ» سؤال طرح نمی‌شود و اگر معنای «أَرَادَتْ» را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییر ریشه‌ای در مقایسه با «أَرَادَ» ندارد.

۷ نیازی به جزوه مکمل قواعد نیست. آنچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۸ پژوهش و کار عملی فعالیت‌هایی مانند نمایش، سرود، ترجمه تصویری، روزنامه دیواری و داستان‌نویسی است.

۹ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب، اعراب‌گذاری، تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیرمخاطب» یا «جمع به غیرجمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۰ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده و فراگیران درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۱ روخوانی‌های هنرجو و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی وی را تشکیل می‌دهد.

۱۲ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۳ از بخش النَّشَاطُ اللَّغَوِيّ و البحثُ الْعِلْمِيُّ در امتحانات، مسابقات و کنکور سؤال طرح نمی‌شود.

۱۴ ذکر صیغه به صورت مفرد مذکر غایب، سوم شخص مفرد یا لِلْغَائِبِ از اهداف کتاب نیست؛ لذا در امتحانات، مسابقات و کنکور از آن سؤال طرح نمی‌شود.

۱۵ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا هنجویان با این شیوه از دورهٔ اوّل متوسطه به دورهٔ دوم متوسطه آمده‌اند. اگر تمایل دارید از نظریّات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه درسی عربی: <http://arabic-dept.talif.sch.ir>

سخنی با هنرجویان عزیز

زبان عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:
زبان قرآن، حدیث و دعاست.
زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است.
زبان و ادبیات فارسی با آن در آمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی، آشنایی با زبان عربی لازم است.
یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است.
زبانی کامل، پرمعنا و قوی است.
ادبیات آن غنی است.
چند سده، بسیاری از متون علمی در ایران به زبان عربی نگاشته شد؛ مانند: متون پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه، تاریخ، جغرافی و ...
این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است.
ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد.
استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود؛ زیرا در آنها تخلف آشکار از اهداف آموزشی دیده می‌شود؛ در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طرّاحی می‌شود، موارد بسیاری از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست.
برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.
هدف این کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



حَرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزٌ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پیشه انسان گنج است.

أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ

يَهْتَمُّ* الْإِسْلَامُ بِالْعَمَلِ الَّذِي يَنْفَعُ الْآخَرِينَ وَ لَا يَضُرُّ* النَّاسَ وَ يَكُونُ* فِي كَسْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ. الْهَدَفُ مِنَ الْعَمَلِ لَا يَنْحَصِرُ* فِي الْحُصُولِ عَلَى الْمَالِ وَ جَمْعِهِ فَقَط. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا يَنْظُرُ إِلَى شَخْصٍ يُعْجِبُهُ* يَسْأَلُ: «هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟» فَإِنْ قِيلَ* لَا؛ كَانَ يَقُولُ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ...﴾ الْجَانِثَةُ: ١٥

الْأُمُورُ* بِالتَّجَرِبَةِ، الْأَعْمَالُ بِالْخُبَرَةِ*. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَلَبَ الْحَلَالَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَحَرِّفَ*. الْإِمَامُ الزَّادِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْكَادُ* عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعَمَلُ بِالْيَدِ مِنْ عَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ* وَ الْأَوْصِيَاءِ* وَ الصَّالِحِينَ. الْإِمَامُ مُوسَى الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْمُعْجَم

أُمُور: چیزها «مفرد: أمر»	لا يَضُرُّ: ضرر نمی زند
إِنْ قِيلَ: اگر گفته می شد «قيل: گفته شد»	لا يَنْحَصِرُ: منحصر نمی شود
أَوْصِيَاء: جانشینان پیامبر «مفرد: وصي»	مُتَحَرِّف: پیشه ور، دارای حرفه
حِرْفَةٌ: پیشه «جمع: حرف»	مُرْسَلِينَ: فرستادگان
خُبْرَةٌ: کاردانی و کارآزمودگی	يُعْجِبُهُ: از او خوشش می آید
صَالِح: درستکار، کاردست	يَكُونُ: می باشد
عِيَال: افراد خانواده	يَهْتَمُّ بِ: اهمیت می دهد به
كَادَ: تلاشگر = مُجِدِّد، مُجْتَهِد	

إِعْلَمُوا

مُراجَعَةُ الْقَوَاعِدِ:

نوع فعل				ضمير			
نهي	امر	مضارع	ماضي				
		أَفْعُلْ	فَعَلْتُ	كِتَابِي	أَنَا		من
		تَفْعُلْ	فَعَلْتَ	كِتَابُكَ	أَنْتَ		تو
		تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	كِتَابُكِ	أَنْتِ		
		يَفْعُلْ	فَعَلَ	كِتَابُهُ	هُوَ		او
		تَفْعُلْ	فَعَلْتَ	كِتَابُهَا	هِيَ		
		نَفْعُلْ	فَعَلْنَا	كِتَابُنَا	نَحْنُ		ما
		تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	كِتَابُكُمْ	أَنْتُمْ		شما
		تَفْعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	كِتَابُكُنَّ	أَنْتُنَّ		
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كِتَابُكُمَا	أَنْتُمَا		
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كِتَابُكُمَا	أَنْتُمَا		
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	كِتَابُهُمْ	هُمْ		ایشان
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	كِتَابُهُنَّ	هُنَّ		
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	كِتَابُهُمَا	هُمَا		
		تَفْعَلَانِ	فَعَلَتَا	كِتَابُهُمَا	هُمَا		

این جدول یادآوری مهم‌ترین آموخته‌های دورهٔ اول متوسطه است؛ یادگیری مطالب جدول، در یک جلسهٔ

یک ساعته در کلاس درس امکان‌پذیر نیست. با تکرار و تمرین در منزل، این مطالب را ملکهٔ ذهن خود کنید.

جَوَارُ (التَّعَارُفُ) *

مُوظَّفُ قَاعَةِ الْمَطَارِ *	الْمُسَافِرُ
صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ *	أَنَا مِنْ إِيْرَانِ.
إِسْمِي سَعِيدٌ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لَا، مَعَ الْأَسَفِ *. لِكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ *.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ، مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



مَطَار: فرودگاه «جمع: مَطَارَات» مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ نام شریف
أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنیم ماضی: سَافَر/ مضارع: يُسَافِرُ

قَاعَة: سالن «جمع: قاعات» تَعَارُف: آشنایی
مَعَ الْأَسَفِ: متأسفانه شما چیست؟



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أ. عَيِّنِ * التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.

۱- إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 برای [دنیایت □] دنیا □] چنان کار کن گویی همیشه [زندگی می کنی □] لذت می ببری □] و برای آخرت چنان
 کار کن گویی [فردا می میری □] نزدیک است [بمیری □].

۲- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 به آنچه گفته است [بنگر □] می نگرم □] و به آن که گفته است [ننگر □] نمی نگرم □].

۳- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 هرگاه فرومایگان (فرومایه ترها) [به فرمانروایی برسند □] توانا شوند □]؛ شایستگان (برترها) هلاک می شوند.

۴- مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 هرکس [دشمنی □] دوستی □] کاشت؛ [زیان □] سود □] درو کرد.

۵- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 سخن مانند داروست. اندکش [سود می رساند □] شفا می دهد □] و بسیارش گشنده است.

۶- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 دانش را [می جویند □] بجوید □] گرچه در چین باشد؛ زیرا جستن دانش [واجب □] شایسته □] است.

۷- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 هرگاه [بر دشمنت توانایی یافتی □] دشمن را شکست دادی □]؛ بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او [قرار
 می دهی □] قرار بده □].

۸- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع
 گفتن [نادانم □] نمی دانم □] نیمی از دانش است.

۱- عَيِّنِ: مشخص کن

۲- إِجْعَلْ + الْعَفْوُ = إِجْعَلِ الْعَفْوَ (حرف ساکن لام در فعل امر إِجْعَلْ، به دلیل برخورد با حرف ساکن لام در الْعَفْو کسره گرفته است. در اصطلاح گفته می شود «التقاء ساکنین» شده است.)

ب. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ فِي الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ وَالْخَامِسِ.

..... ≠ ≠ ≠

ج. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ فِي الْفَرَاغِ^١.

[أَفْضَلُ / قَوْلُ / عُدْوَانُ / قُوَّةُ / أَحْسَنُ / كَلَامُ / قُدْرَةُ / عَدَاوَةٌ]

..... = =

..... = =

د. اُكْتُبِ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

أَفْاضِلُ: حَرْفُ: فَرَائِضُ: أَعْمَالُ:

ه. اُكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِعَةِ.

.....
.....



الْتَّمِرِينَ الثَّانِي: تَرْجِمُ^٢ فِعْلَ كُلِّ جُمْلَةٍ، ثُمَّ اُكْتُبِ نَوْعَهُ.

- ١- أَلَوْلَدُ كَتَبَ دُرُوسَهُ.
- ٢- صَدِيقِي يَكْتُبُ رِسَالَةً.
- ٣- رَجَاءٌ، اُكْتُبْ وَاجِبَاتِكَ.
- ٤- زَمِيلِي مَا كَتَبَ التَّمْرِينَ.
- ٥- هُوَ سَيَكْتُبُ عَلَى اللُّوحِ.
- ٦- سَوْفَ يَكْتُبُ الطَّبِيبُ وَصْفَةً.
- ٧- لَا يَكْتُبُ الْعَاقِلُ عَلَى الشَّجَرَةِ.
- ٨- مِنْ فَضْلِكَ لَا تَكْتُبْ عَلَى كُرْسِيِّكَ.



الْتَّمِرِينَ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ، وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ١- نَاصِرٌ، مَنصُورٌ، نَصِيرٌ:
- ٢- صَبَّارٌ، صَبُورٌ، صَابِرٌ:

١- فَرَاغٌ: جَاى خَالِي «جمع: فَرَائِغَاتٌ» ٢- تَرْجِمُ: تَرْجِمُهُ كُنْ



۲

الدَّرْسُ الثَّانِي



إِزْرَعُوا وَاعْرِسُوا* ... وَاللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ*
وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کشاورزی کنید و نهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر و خوبتر از آن انجام نداده‌اند.

يَدُ الْفَلَّاحِ

تَوْجَدُ قِصَصَ كَثِيرَةً فِي تَارِيخِ الْإِسْلَامِ تُبَيِّنُ لَنَا قِيَمَةَ الْعَمَلِ؛ مِنْهَا :



كَانَ النَّبِيُّ ﷺ جَالِسًا مَعَ خَمْسَةِ مِنْ أَصْحَابِهِ تَحْتَ شَجَرَةٍ؛
فَدَخَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ ذُو *وَجْهِ *أَسْمَرٍ *وَيَدَيْنِ خَشِنَتَيْنِ *؛
فِهِمُ الْحَاضِرُونَ مِنْ ظَاهِرِهِ أَنَّهُ فَلَاحٌ *وَمِهْنَتُهُ *الزَّرَاعَةُ.
عِنْدَيْهِ *ضَبْحُكٌ وَاحِدٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ
وَأَرَادَ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِهِ *؛

لَكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عِنْدَمَا شَاهَدَهُ رَحَّبَ بِهِ *
وَأَجْلَسَهُ *إِلَى جَانِبِهِ.
فَتَعَجَّبَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ؛

ثُمَّ تَعَجَّبُوا كَثِيراً حِينَمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَ الْفَلَّاحِ بِيَدِهِ وَقَالَ:

«إِنَّهَا يَدٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ».



سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.

رَحِمَ اللَّهُ * امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا، فَأَتَقَنَهُ * . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

آفَةُ النَّجَحِ * الْكَسْلُ * . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْمُعْجَم

أَتَقَنَ عَمَلًا: کاری را درست و استوار انجام

داد «مضارع: يَتَقَنُ»

أَجْلَسَ: نشانید «مضارع: يُجْلِسُ»

أَحَلَّ: حلال تر

أَسْمَرَ: گندمگون

أَطِيبَ: خوب تر

إِغْرَسُوا: نهال بکارید

«ماضی: غَرَسَ / مضارع: يَغْرِسُ»

نُبِّئَ: آشکار می کند «ماضی: بَيَّنَّ»

ذو: دارای

ذو وَجْهِ أَسْمَرَ: دارای چهره ای گندمگون

رَحَبَ بِهِ: به او خوشامد گفت

«مضارع: يُرَحِّبُ»

رَحِمَ اللَّهُ: خدا رحمت کند!

عِنْدَيْهِ: در این هنگام

كَسَلٌ: تنبلی ≠ نشاط

مِهْنَةٌ: شغل = حِرْفَةٌ، شُغْلٌ «جمع: مِهَنٌ»

نُجَحٌ: موفقیت = نَجَاح

يَدَيْنِ خَشِيتَيْنِ: دو دست زبر «خَشِنَةٌ: زبر»

يَسْتَهْزِئُ بِهِ: او را ریشخند می کند

«ماضی: اسْتَهْزَأَ بِهِ»

اَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إجاباتٍ قَصِيرَةً.

- ۱- ما كانت مهنة الرجل الذي دخل على النبي ﷺ؟
- ۲- ماذا أراد أن يفعل الرجل الذي ضحك على الفلاح؟
- ۳- كيف كان ظاهر الرجل الذي دخل في المجلس؟
- ۴- كم صحابياً كان جالسا مع النبي ﷺ؟
- ۵- من رحب بالرجل الذي دخل الحاضرين؟
- ۶- أين كان رسول الله ﷺ جالسا؟

اعلموا

الأعداد من واحد إلى مئة

الأعداد الأصلية (واحد إلى مئة)		الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)	
واحد ١	أحد عشر ١١	عشرة ١٠	الأول ١م
اثنان ٢	اثناعشر ١٢	عشرون ٢٠	الثاني ٢م
ثلاثة ٣	ثلاثة عشر ١٣	ثلاثون ٣٠	الثالث ٣م
أربعة ٤	أربعة عشر ١٤	أربعون ٤٠	الرابع ٤م
خمسة ٥	خمسة عشر ١٥	خمسون ٥٠	الخامس ٥م
ستة ٦	ستة عشر ١٦	ستون ٦٠	السادس ٦م
سبعة ٧	سبعة عشر ١٧	سبعون ٧٠	السابع ٧م
ثمانية ٨	ثمانية عشر ١٨	ثمانون ٨٠	الثامن ٨م
تسعة ٩	تسعة عشر ١٩	تسعون ٩٠	التاسع ٩م
عشرة ١٠	عشرون ٢٠	مئة ١٠٠	العشرون ٢٠م

- ۱- عددهای اصلی ثلاثة تا عشرة به دو شکل با «ه» و بدون «ه» می آیند؛ مثال: أَرْبَعَة و أَرْبَع.
- ۲- عددهای ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ با «ون» و «ین» می آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ.
- ۳- «مئة» به صورت «مائة» نیز نوشته می شود.
- ۴- در زبان عربی، یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: «أَرْبَعَة وَ خَمْسُونَ» یعنی «پنجاه و چهار».

حوار (بين سائحين)

سائح من العراق	سائح* من إيران
مساء النور.	مساء الخير.
لا؛ أنا من العراق. أنت من باكستان؟	هل حضرته* من الكويت؟
جئت للمرة الأولى؛ وكم مرة جئت أنت؟	لا؛ أنا إيراني. كم مرة جئت للزيارة؟
كم عمرك؟	أنا جئت للمرة الثانية.
من أي مدينة أنت؟	عمري ستة عشر عاماً.
طبيعة إيلام جميلة.	أنا من إيلام.
نعم؛ ذهبت لزيارة الإمام الثامن عليه السلام.	هل ذهبت إلى إيران من قبل؟
إن إيران بلد جميل جداً.	كيف وجدت إيران؟



سائح: گردشگر «جمع: سائحوں و سائح» حضرته: حضرت عالی

التمرين الأول: أجب عن العمليات الحسابية التالية كالمثال.

(+ زائد) (- ناقص) (÷ تقسيم على) (× في ، ضرب في)

١- عشرة في ثلاثة يساوي * ثلاثين. $10 \times 3 = 30$

٢- تسعون ناقص أربعين يساوي خمسين.

٣- مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

٤- ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

٥- خمسة وسبعون زائد خمسة وعشرين يساوي مئة.

٦- اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وأربعين.

التمرين الثاني: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

١- الشهر الـ من شهور السنة شهر مهر.

٢- اليوم الـ من أيام الأسبوع يوم الخميس.

٣- نحن في الصف الـ في هذه السنة الدراسية.

٤- الفصل الـ في السنة الإيرانية فصل الشتاء.

٥- الفصل الـ في السنة الإيرانية فصل الخريف.

٦- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز الـ جائزة فضية.

١- برای اختصار، کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می‌شود.

زائد: به علاوه ناقص: منهاي يساوي: مساوی است با ماضی: ساوی

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ.

۱- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ: ☐ ۶۷ ☐ ۷۶

۲- ثَلَاثَةٌ عَشَرَ: ☐ ۲۳ ☐ ۱۳

۳- تِسْعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ: ☐ ۳۹ ☐ ۹۳

۴- اَلْسَادِسَ عَشَرَ: ☐ ۱۶م ☐ ۱۹م

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ * فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ كَمِّلِ التَّرْجَمَةَ.

خَمْسٌ / اِثْنَانِ / ثَلَاثَةٌ

۱- اَلصَّبْرُ.....: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ *، وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ *. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بردباری گونه است: بردباری بر مصیبت و بردباری بر بندگی و بردباری بر نافرمانی.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:..... لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ: «فَاطِعُ الرَّجِمِ وَ جَارُ السَّوَةِ».
فرستاده خدا ﷺ فرمود: نفر خدا، روز رستاخیز به آنها نمی‌نگرد: بُرنده پیوند خویشان و همسایه بد.

۳- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ.....: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ *، وَ الصَّبْرُ
عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ، وَ الْحِلْمُ * عِنْدَ الْغَضَبِ. الْإِمَامُ السَّجَّادُ (ع)
نشانه‌های مؤمن چیز است: پارسایی در خلوت، صدقه در تنگدستی، بردباری بر مصیبت،
راستگویی هنگام ترس و شکیبایی هنگام خشم.

صَعِّ: بگذارد «ماضی: وَصَعَّ / مضارع: يَصَعِّ» كَمَّلَ: کامل کن «ماضی: كَمَّلَ / مضارع: يُكَمِّلُ» طَاعَةُ: بندگی
مَعْصِيَةُ: نافرمانی قِلَّةٌ: کمی ≠ کثرة حِلْمٌ: شکیبایی = صَبْرٌ



التَّمرينُ الخامسُ: اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

١- اَلْحَادِيَّةُ عَشْرَةٌ إِلَّا عَشَرَ دَقَائِقَ.

٢- اَلسَّابِعَةُ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.

٣- اَلثَّانِيَّةُ عَشْرَةٌ تَمَامًا.

٤- اَلسَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا.

٥- اَلْخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ.



الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

- ١- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ طَوْلَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةَ أَمْتَارٍ* وَ تَسْتَطِيعُ رُؤْيَةَ خَلْفِهَا دُونَ أَنْ تُدِيرَ* رَأْسَهَا؟
- ٢- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ* صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ عَدَدَ أَنْوَاعِ الْأَسْمَاكِ يَزِيدُ عَنْ* خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَوْعٍ؟
- ٤- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ النَّمْلَةَ* تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ* وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٥- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ بِالْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟



أَمْتَار: جمع متر دُونَ أَنْ تُدِيرَ: بى آنكه بچرخاند «ماضى: أَدَارَ/ مضارع: يُدِيرُ» سَمَاع: شنیدن = سَمِعَ
يَزِيدُ عَنْ: بیش از ... است نَمْلَةَ: مورچه يَفُوقُ: بالاتر است از ...

النشاط اللغوي

اكتب اسم كل مهنة باللغة العربية تحت صورتها المناسبة.

فلاحة / بيطرية / صانعة التماثيل / تقني الحاسوب / طبخة / مصلح السيارات / مهندس
العمارة / مصلح الأنابيب (سباك) / مصلح الأجهزة المنزلية / محاسبة / مصورة / عامل
المطبعة





۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

قِيَمَةُ الْعَمَلِ

عِنْدَمَا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ إِحْدَى الْغَزَوَاتِ* ،
 اسْتَقْبَلَهُ* أَحَدُ أَصْحَابِهِ بِاسْمِ «سَعْدِ الْأَنْصَارِيِّ» ،
 فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَوَجَدَ يَدَهُ خَشِنَةً؛
 ثُمَّ سَأَلَهُ:

لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا؟

أَجَابَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَشْتَغِلُ فِي الْمَزْرَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى* اللَّيْلِ لِنَفَقَةِ
 عِيَالِي.

فَقَبَّلَ* رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ وَقَالَ:

«هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ أَبَدًا».



إِسْتَقْبَلَ: به پیشواز رفت

«مضارع: يَسْتَقْبِلُ»

حَتَّى: تا = إِلَى

صَافَحَ: دست داد

«مضارع: يُصَافِحُ»

غَزَوَات: جنگ‌ها «مفرد: غَزْوَةٌ»

قَبَّلَ: بوسید

«مضارع: يُقَبِّلُ»

لَا تَمَسُّ: لمس نمی‌کند

«ماضی: مَسَّ»



أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إجابةً قَصِيرَةً.

١- مَتَى اسْتَقْبَلَ الصَّحَابِيُّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟

.....

٢- لِمَاذَا كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغِلُ حَتَّى اللَّيْلِ؟

.....

٣- كَيْفَ كَانَ ظَاهِرُ يَدِ الصَّحَابِيِّ؟

.....

٤- مَنْ سَأَلَ: «لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا»؟

.....

٥- مَا اسْمُ الصَّحَابِيِّ فِي الْقِصَّةِ؟

.....

٦- أَيْنَ كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغِلُ؟

.....

وَأَنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ

اعلموا

الماضي وَ الْمُضَارِعُ وَ الْمَصَدَرُ (۱)

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که با آن آشنا شده‌اید، از سه حرف اصلی تشکیل می‌شدند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها بیشتر از سه حرف اصلی است؛ مانند:

إِسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ.

اکنون با فعل‌هایی آشنا می‌شوید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف بیشتری دارد.

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

ماضی	مضارع	مصدر
إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتِفْعَال
إِفْتَعَلَ	يِفْتَعِلُ	إِفْتِعَال
انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّل

مثال:

ماضی	مضارع	مصدر
إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
إِشْتَغَلَ: کار کرد	يَشْتَغِلُ: کار می‌کند	إِشْتَغَال: کار کردن
انْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	انْفِتَاح: باز شدن
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرُّج: دانش‌آموخته شدن

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌ها هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.
یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ اِكْتَسَبْتُ اِنْسَحَبْتُ تَعَلَّمْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتَ اِكْتَسَبْتَ اِنْسَحَبْتَ تَعَلَّمْتَ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ اِكْتَسَبَ اِنْسَحَبَ تَعَلَّمَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا اِكْتَسَبْنَا اِنْسَحَبْنَا تَعَلَّمْنَا

«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ اِكْتَسَبْتُمْ اِنْسَحَبْتُمْ تَعَلَّمْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِسْتَغَلَّ: کار کرد اِسْتَغْلُوا:

تَعَلَّمَ: یاد گرفت تَعَلَّمْتُمْ:

اِنْقَطَعَ: بریده شد اِنْقَطَعْتُ:

اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست اِسْتَغْفَرْنَا:

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أَ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اَسْتَخْرِجُ اَكْتَسِبُ اِنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ

«تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ

«يَ» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ

«نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ

«تَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«يَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

يَبْتَسِمُ: لبخند می‌زند يَبْتَسِمُونَ:

يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید تَكَلَّمُ:

يَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی می‌کند تَنْسَحِبُونَ:

يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد أَتَعَلَّمُ:

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	مصدر
اسْتَغْفَرَ:	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
اعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	اعْتِذَار: پوزش خواستن
انْسَحَبَ:	يَنْسَحِبُ:	انْسِحَاب: عقب‌نشینی کردن
تَكَلَّمَ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلُّم: سخن گفتن

التمرين الثاني: اِقرأِ الأفعالَ وَ المَصَادِرَ قِراءةً صَحيحةً، وَ ضَعِ العَلاماتِ.



ماضي	مضارع	مصدر
استكبر	يستكبر	استكبار
افتخر	يفتخر	افتخار
انهدم	ينهدم	انهدام
تصور	يتصور	تصور
استضعف	يستضعف	استضعاف
اعترف	يعترف	اعتراف
انصرف	ينصرف	انصراف
تعمد	يتعمد	تعمد

حوار (في قسم الجوازات)

المُساْفِرُ	شُرْطِيّ إدارة الجَوَازاتِ
نَحْنُ مِنْ إِيْران.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	مَرْحَبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُونَا* .
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ.	تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
سِتَّةَ.	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ* ؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.	هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ* ؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ.
نَحْنُ جَاهِزُونَ* .	رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.



قِسْمُ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ

جَوَاز، جَوَازُ السَّفَرِ: گذرنامه «جمع: جَوَازات» مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید = أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ
شَرَفْتُمُونَا: ما را مشرف فرمودید مُرَافِق: همراه بَطَاقَة: كارت، بليت «جمع: بِطَاقَات» جَاهِز: آماده

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ ✕

١- «الْبِطَاقَةُ» وَرَقَّةٌ صَغِيرَةٌ عَلَيْهَا مَعْلُومَاتٌ، أَوْ وَرَقَةٌ قِيَمَةٌ.

٢- شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ يُشَاهِدُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ.

٣- جَمِيعُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ فِي يَدِ مُدِيرِ الْقَافِلَةِ.

٤- عِنْدَ مُشَاهَدَةِ السِّيَاحِ نُرَحِّبُ بِهِمْ.

٥- لَيْسَتْ فِي الْمَطَارِ إِدَارَةُ الْجَوَازَاتِ.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا * صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ؛ قِيلَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا يُكَفِّرُهَا؟ قَالَ: الْهُمُومُ * فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.

[جَمَعَ الرَّسُولُ: وَ جَمَعَ الصَّدَقَةَ:]

٢- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ * وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام [صَمِيرِينَ]

٣- عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخَطِّ * فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [مُتَضَادَّ السَّوْءِ]

٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ * وَالْبَهَائِمِ *. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام [الصَّمِيرِ]

٥- إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام [وَزْنَ الْجَمِيلِ وَ الْجَمَالِ]

يُكَفِّرُ الذَّنْبَ: گناه را می بخشد هُمُوم: اندوه ها «مفرد: هَمَّ» = أحزان حَزَن: اندوه = حُزْن
حُسْنُ الْخَطِّ: خوش خطی ≠ سوءُ الْخَطِّ بِقَاع: قطعه های زمین «مفرد: بَقْعَة» بَهَائِم: چارپایان (به جز درندگان) «مفرد: بَهِيمَة»

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

ذُنُوبُ: هُمُومُ: مَفَاتِيحُ: بِطَاقَاتُ:
 بِقَاعُ: بَهَائِمُ: سِيَّاحُ: أَصْحَابُ:

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: اِنتَخِبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- أَوْرَاقُ تُعْطِيهَا الْحُكُومَةُ لِإِثْبَاتِ الْهُوِيَّةِ عِنْدَ السَّفَرِ إِلَى الْخَارِجِ. ☐ الْنُقُودُ ☐ الصُّورُ ☐ الْجَوَازُ
- ٢- رُجُوعُ الْجَيْشِ عَنْ مَوْقِعِهِ إِلَى الْوَرَاءِ فِي الْحَرْبِ: ☐ الْإِنْسِحَابُ ☐ الْكَسَلُ ☐ الْحَزَنُ
- ٣- الَّذِي يَكُونُ مَعَكَ فِي طَرِيقٍ أَوْ سَفَرَةٍ: ☐ الْجَاهِزُ ☐ الْمُرَافِقُ ☐ الشَّرْطِيُّ
- ٤- حَيَوَانَاتُ أَهْلِيَّةٌ كَالْبَقَرِ وَالْفَرَسِ: ☐ الطُّيُورُ ☐ الْبَهَائِمُ ☐ الْأَسْمَاكُ
- ٥- قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ: ☐ النَّفَقَةُ ☐ الْعَزْوَةُ ☐ الْبُقْعَةُ

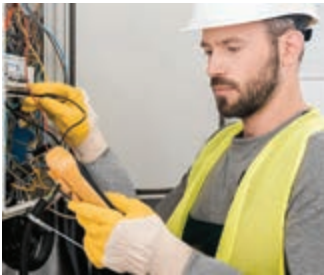
الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

ماضى	مضارع	مصدر
اِبْتَسَمَ: لبخند زد	: لبخند می زند	: لبخند زدن
.....: بریده شد	يَنْقَطِعُ: بریده می شود	اِنْقِطَاعُ:
.....: خارج کرد	: خارج می کند	اِسْتِخْرَاجُ: خارج کردن
.....: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید	: سخن گفتن
.....: جشن گرفت	يَحْتَفِلُ: جشن می گیرد	: جشن گرفتن
اِنْكَسَرَ: شکسته شد	: شکسته می شود	: شکسته شدن
.....: به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ: به کار می گیرد	: به کار گرفتن
.....: دانش آموخته شد	: دانش آموخته می شود	تَخَرُّجُ: دانش آموخته شدن

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ أَسْمَاءِ هَذِهِ الْمِهَنِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي مُعْجَمِ فَارِسِيٍّ - عَرَبِيٍّ.

www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



كُهْفٌ عَلَى صَدْرِ فِي مُحَافَظَةِ هَمْدَانِ



بُحَيْرَةُ سَيِّمِرَهْ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ



مِنْطَقَةُ دَلْفَارْدُ فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانِ



شَلَالِ سَمِيرْمُ فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَهَانِ



قَرْيَةُ زَرْزِينُ كَلَا فِي مُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَانِ



عَيْنُ رَامِيَانِ فِي مُحَافَظَةِ خَلْسْتَانِ

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾

الْعَنْكَبُوتُ: ٢٠

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد؟

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١



■ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ أَسْمَاكٌ مُضِيئَةٌ* أَضَاوُهَا مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.

■ إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبَّيَّةَ* وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ* مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ* هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبَّيَّةِ لِهَذِهِ الْأَعْشَابِ.



■ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى* امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ* لَعَجَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا* أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا* ، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ* سَرِيعاً عَنْ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ.



■ تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ* أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ* رَأْسَهَا،
وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



■ لَا تَتَحَرَّكُ* عَيْنُ الْبُومَةِ* ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ* هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ
جِهَةٍ، وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِثْلَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



تَمْلِكُ: مالک می شود، فرمانروایی می کند	إِتْجَاهَات: جهت ها «مفرد: إِتْجَاه»
«ماضی: مَلَكَ / مضارع: يَمْلِكُ»	إِسْتَطَاعَ: توانست «مضارع: يَسْتَطِيعُ» =
حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود	قَدَّرَ
«ماضی: ابْتَعَدَ / مضارع: يَبْتَعِدُ»	إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
حِرْبَاء: آفتاب پرست	أَضَوُّهَا: نورهایشان
دَلَّ: راهنمایی کرد «مضارع: يَدُلُّ»	«أَضَوَّاءُ + ها / مفرد: ضَوْءٌ»
سِرْوَا: حرکت کنید «ماضی: سَارَ / مضارع:	أَعْشَابُ: گیاهان «مفرد: عُشْبُ / الْأَعْشَابُ
يَسِيرُ»	الطَّبِيبَةُ: گیاهان دارویی «مفرد: عُشْبُ طِبِّي»
كَهْف: غار	إِمْتِلَاكُ: مالکیت، داشتن
لَا تَتَحَرَّكُ: حرکت نمی کند	أَنْ تُحَرِّكَ: که حرکت بدهد «ماضی: حَرَكَ /
«ماضی: تَحَرَّكَ / مضارع: يَتَحَرَّكُ»	مضارع: يُحَرِّكُ / دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه
مَعَ بَعْضٍ: با یکدیگر	حرکت بدهد
مُضِيء: نورانی	بُحَيْرَةٌ: دریاچه
مِنْ خِلَالِهَا: در میان آن	بُوم، بومَة: جغد
وَقَايَةً: پیشگیری	تُعَوِّضُ: جبران می کند
	«ماضی: عَوَّضَ / مضارع: يُعَوِّضُ»

× ✓

عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ.

- ۱- بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ وَ الطُّيُورِ تَدُلُّ الْإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ الطَّبِيبَةِ.
- ۲- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ قَرِيبَةً مِنْ سَطْحِ الْبَحْرِ.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

إِعْلَمُوا

الْمَاضِي وَالْمُضَارِعُ وَالْمَصْدَرُ (۲)

در درس سوم با چند فعل، که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید.

اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید:

خَرَجَ عَرَفَ دَرَسَ كَتَبَ
أَخْرَجَ تَعَارَفَ دَرَسَ كَاتَبَ

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

ماضی	مضارع	مصدر
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلٌ
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	إِفْعَالٌ

مثال:

ماضی	مضارع	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابُهٌ: همانند شدن
فَرَحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است.
مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«ت» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:

تَعَارَفْتُ عَلَّمْتُ شَاهَدْتُ أَرْسَلْتُ

«ت» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:

تَعَارَفْتَ عَلَّمْتَ شَاهَدْتَ أَرْسَلْتَ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند:

تَعَارَفَ عَلَّمَ شَاهَدَ أَرْسَلَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:

تَعَارَفْنَا عَلَّمْنَا شَاهَدْنَا أَرْسَلْنَا

«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:

تَعَارَفْتُمْ عَلَّمْتُمْ شَاهَدْتُمْ أَرْسَلْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:

تَعَارَفُوا عَلَّمُوا شَاهَدُوا أَرْسَلُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَمَ: تصادف کرد تَصَادَمُوا:

حَرَكَ: حرکت داد حَرَّكْتُمَا:

سَافَرَ: سفر کرد سَافَرْنَا:

أَحْسَنَ: نیکی کرد أَحْسَنْتُمْ:

مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أُرْسِلُ

«ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعَارَفُ تَعْلَمُ تُشَاهِدُ تُرْسَلُ

«ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يَعْلَمُ يُشَاهِدُ يُرْسَلُ

«ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نَعْلَمُ نَشَاهِدُ نُرْسَلُ

«ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

تَتَعَارَفُونَ تَعْلَمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«پ» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند)؛ مانند:

يَتَعَارَفُونَ يَعْلَمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

يُعَوِّضُ: جبران می‌کند يُعَوِّضُونَ:

يُعَامِلُ: رفتار می‌کند تُعَامِلُونَ:

يُخْرِجُ: خارج می‌کند يُخْرِجُونَ:

تَبَادَلُ: داد و ستد کرد تَتَبَادَلِينَ:

الْتَّمِرُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

ماضی	مضارع	مصدر
تَعَامَلَ:	يَتَعَامَلُ:	تَعَامُلُ: داد و ستد کردن
لَوَّنَ:	يُلَوِّنُ:	تَلْوِينُ: رنگ آمیزی کردن
صَافَحَ:	يُصَافِحُ:	مُصَافَحَة: دست دادن
أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ:	إِنْقَاز: نجات دادن

التمرين الثاني: اقرأ الأفعال و المصَادِرِ قِراءَةً صَحِيحَةً، وَ صَعِّ العَلَامَاتِ.



ماضي	مضارع	مصدر
تعارف	يتعارف	تعارف
فتش	يفتش	تفتيش
جاهد	يجاهد	مجاهدة
أحسن	يحسن	إحسان

ماضي	مضارع	مصدر
تقاعد	يتقاعد	تقاعد
كمل	يكمل	تكميل
حاول	يحاول	محاولة
أجلس	يجلس	إجلاس

حوار (في صالة التفتيش * بالجمارك *)

الزائر	شُرطي الجمارك
على عيني، ولكن ما هي المشكلة؟	إجلب هذه الحقيبة.
لا بأس.	تفتيش بسيط.
لأسرتي.	لمن هذه الحقيبة؟
تفضل، حقيبتني مفتوحة.	من فضلك، افتحها.
ليس كتاباً؛ بل دفتر الذكريات *.	ما هذا الكتاب؟
حُبوبٌ مَهْدَنَةٌ، عندي صُداغ.	ما هذه الحُبوب؟
ولكن أنا بحاجة إليها جداً.	هذه غير مسموحة.
شكراً.	لا بأس.



صالة: سالن = قاعة تفتيش: بازرسی جمارك: گمرک ذكريات: خاطرات «مفرد: ذكري»

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- إِدَارَةٌ مَسْؤُولَةٌ عَمَّا *يَحْمِلُهُ الْمُسَافِرُونَ مِنْ بِلَادٍ أُخْرَى.
- ٢- الْأَعْمَالُ الَّتِي نَفَعَلَهَا لِلإِبْتِعَادِ عَنِ الْخَطَرِ أَوْ الْمَرَضِ.
- ٣- حَيَوَانٌ يُدِيرُ رَأْسَهُ مَعَ حَرَكَةِ الشَّمْسِ كَأَنَّهُ يَعْبُدُهَا.
- ٤- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- ٥- طَائِرٌ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- ٦- الشَّيْءُ الَّذِي يُعْطِي نُورًا لَنَا.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- غُرَاب ☐ عَصْفُور ☐ بَوْم ☐ صَوء ☐
- ٢- حَلِيب ☐ عَصِير ☐ ذِكْرِي ☐ شاي ☐
- ٣- كَلْب ☐ حِرْبَاء ☐ جَمَارِك ☐ فَرَس ☐
- ٤- عُيُون ☐ أَقْدَام ☐ أَيْدِي ☐ بَسِيط ☐
- ٥- حَقِيبَةٌ ☐ سَيَّارَةٌ ☐ طَائِرَةٌ ☐ حَافِلَةٌ ☐
- ٦- تُفَّاح ☐ صُدَاع ☐ عَنَب ☐ رُْمَان ☐

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اكْتُبِ مَفْرَدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

عُيُون: ذِكْرِيَات: أَسْمَاك: أَضْوَاء: أَعْشَاب:

مُسْؤُولَةٌ عَمَّا: مَسْئُولٌ أَنِجَه «عَنْ + مَا = عَمَّا»



التَّامِرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

١- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الزَّرَّافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ* مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلَ؟

٢- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟



النشاط اللغوي

إِبْحَثْ عَنْ صُورٍ مُنَاسِبَةٍ لِخَمْسٍ مِنَ الْمِهَنِ وَ الْحِرَفِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ اكْتُبْ سَطْرًا لِكُلِّ مِنْهَا.



برق كار: كهربائي

برنامه ريز: مبرمج، مخطط

بنا: بناء

پارچه فروش: بزاز

پژوهشگر: باحث

پستچی: ساعي البريد

پيمانكار: مفاوض

تايبيست (حروفچين): طباع، طابع على

الآلة الكاتبة

تراشكار: خراط الحديد



آرايشگر زنانه: ماشطة، مشاطة

آسيابان: طحان

آهنگر: حداد

آهنگساز: ملحن

آيينه كار: فنان زحرفة المرايا

اتوكش: كواء

انباردار: أمين المستودع

پيرایشگر (سلمانی): خلاق



باربر: حمال

بازارياب: خبير التسويق، مسوق

بازرس: مفتش

بافنده: حائك

زرگر: صائغُ الذَّهَبِ

زنبوردار: نَحَّال، مُرَبِّي النَّحْلِ



سبزی فروش: بائعُ الخَضِرَاتِ

سفالگر: فَخَّارِي، صَانِعُ الفَخَّارِ، خَزَّاف،

صَانِعُ الخَرْفِ



سنگ تراش: حَجَّار، نَحَّاتُ الأحجارِ

شیرینی فروش: حَلْوَانِي

صندوقدار: أَمِينُ الصُّنْدُوقِ

طراح صنعتی: مُصَمِّمُ صِنَاعِي

طراح لباس: مُصَمِّمُ الأَزْيَاءِ

طلا فروش: بائعُ الذَّهَبِ

عکاس: مُصَوِّر

تعمیرکار: مُصَلِّح

تکنیسین: تِقْنِيّ

تولیدکننده: مُنتِج

چوپان: راعي (راعٍ)

حسابدار: مُحَاسِب

خاتم کار: مُطْعَمُ الخَشَبِ

خبرنگار: مُراسِل

خدمتکار: خَادِم

خواربار فروش: بَقَّال

خواننده: مُغَنِّي

دربان: بَوَّاب

راننده: سَائِق

راهنمای سفر: دَلِيلُ السَّفَرِ

رفتگر: كَنَّاس، زَبَّال

رنگ کار: مُلَوِّن، صَبَّاغ



روزنامه نگار: صَحْفِيّ، صُحْفِيّ

كشاورز: زارع، قَلاح، مُزارع



كَقاش (كفشدوز): حَذاء، صانعُ الأحذية،
إسكافي



كليد ساز: صانعُ المَفاتيح

گارسون: نادِل، جَرسون

گچ کار: مُبَيِّضُ الجُدُرانِ

لوله کش: سَبَّاک، مُصَلِّحُ الأنابيبِ

ماهیگیر: سَمَّاک



غَوّاص: غَوّاص

فروشنده: بائِع

فیلم ساز: مُنتِجُ الأفلامِ



قاب ساز: صانعُ الإطاراتِ

قصاب: جَزَّار، قَصَّاب

کارشناس: حَییر

کارفرما: مُدیرُ العَمَلِ، رَبُّ العَمَلِ

کارگر: عامِل

کارگردان: مُخْرِج

کارمند: مُوظَّف

کاشی کار: بَلَّاط



کاشی کار سَنَتی: فَنان زَخَرَقَة قاشانیّة

ناخدا: رَبَّانُ السَّفِينَةِ

نانوا: حَبَّان، قَرَّان

نَجَّار: نَجَّار

نظافتچی: عَامِلُ التَّنْظِيفِ

نقاش تابلو: رَسَّام

نقاش ساختمان: صَبَّاح



نگهبان: حَارِس، ناطور

نوازنده: موسیقار، عَزَّاف

نویسنده: کاتب، مُؤَلِّف

واکسی: صَبَّاح

ویراستار: مُصَحِّح

هنرپیشه: مُمَثِّل

هنرمند: فَنَّان



مجری: مُخْبِر، مُذِيع

مغازه‌دار: صَاحِبُ المَتَجَرِ

مکانیک: مِکانیکی



ملوان: بَحَّار، مَلَّاح

منبت‌کار: فَنَّان حَفَرِ الخَشَبِ



مهماندار: مُضِيف



مهندس ساختمان: مُهَنْدِسُ العِمَارَةِ

مهندس کشاورزی: مُهَنْدِسُ زِرَاعِي

أَيَّهَا الزَّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللَّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ
فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌دستی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیر محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۱) - کد ۲۱۰۱۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	زیبا چاهیان بروجنی	اصفهان	۲۰	کامران سلیمانی	کرمانشاه
۲	معصومه ملکی	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۲۱	سیده‌هاشم خشنود مقدم	مازندران
۳	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۲۲	سیدامیر فضیلت‌جو	کهگیلویه و بویراحمد
۴	نسرین نجفی	اصفهان	۲۳	محمد امیری‌فر	خراسان جنوبی
۵	سیده‌زهراسیننی طالعی	گیلان	۲۴	فریبا دانشگر	آذربایجان غربی
۶	سکینه فتاحی‌زاده	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۲۵	علی رفیعی	زنجان
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۲۶	ملیحه خادم‌لو	مازندران
۸	معصومه پویا	البرز	۲۷	علی احمدی	زنجان
۹	خدیجه حسینی	سمنان	۲۸	مصطفی بیات	البرز
۱۰	مهستی رایگان	لرستان	۲۹	فرشته بیگی	ایلام
۱۱	معصومه حسن‌زاده	شهر تهران	۳۰	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی
۱۲	غضبان علی‌پور	ایلام	۳۱	خسرو گروسی	کرمانشاه
۱۳	سحر تمهیدی	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۳۲	حسن عطفی	خراسان رضوی
۱۴	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی	۳۳	عباس رورده	شهرستان‌های تهران
۱۵	بابک قجر	کردستان	۳۴	نسیم فرهنگ	خراسان رضوی
۱۶	مهدی شقایق	آذربایجان شرقی	۳۵	رفوف رهنمون	کردستان
۱۷	اسماعیل رسایی	کرمان	۳۶	غلامرضا یرشی	بوشهر
۱۸	ابراهیم غلامی	خراسان شمالی	۳۷	رحمان فلاحی مقدم	کهگیلویه و بویراحمد
۱۹	حکیمه حسنزاده جعفری	کرمان			

